( 168 )

هو الابهی

ای ورقات مهتزات منجذبات در این قیامت کبری میدانی ترتیب شد که از یک جهة حد بیابان نداشت و از جهتی کنارش نمایان نه فضایش وسعت ملکوت و بدایت و نهایتش حیز شاسع عالم لاهوت مردان و دلیران در این میدان سپر انداختند و شیران ژیان عاجز و ناتوان گشتند شما که ورقات شجره بودید ولو در قمیص نسوان بودید در این میدان بفضل یزدان بتاختید و علم افراختید و نرد محبت باختید و گوی سبقت ربودید و همت بنمودید این نیست مگر از فضل و عنایت جمال قدم روحی لأحبائه الفدا پس بشکرانه این بخشایش یزدانی با هم باتحاد و یگانگی معامله نمائید در بحر توحید مستغرق گردید و از جام تفرید سرمست شوید بانوار وحدت برافروزید و باسرار موهبت آشکارا شوید فی الحقیقه بصفت تقدیس حقیقی ظاهر و باهر شوید (ع ع)